

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

THE
NATIONAL
INTEREST

آسیای میانه و توافق ابراهیم

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا اظهار علاقه کرده‌است که پیمان‌های ابراهیم، بین کشورهای عربی و اسرائیل برای عادی‌سازی روابط دیپلماتیک به جمهوری آذربایجان و آسیای میانه هم گسترش پیدا کند، هرچند احتمال انعقاد چنین توافقی با آذربایجان وجود دارد، اما رسیدن آن به آسیای میانه دور از ذهن به نظر می‌رسد، هرچند برخی زمینه‌ها برای همکاری مشترک اسرائیل و کشورهای آسیای میانه وجود دارد، برخی از محدودیت‌های اساسی ژئوپلیتیک باعث می‌شود که احتمال توافق غیرمحتمل شود. کشورهای آسیای میانه به جمهوری آذربایجان بعدی تبدیل نخواهند شد. پیشبرد مذاکرات با جمهوری آذربایجان به دلیل این است که برخی منافع به شکل منحصر به فردی با هم تلاقی پیدا کرده‌اند، از جمله خصومت مشترک علیه ایران و منازعه با کوبا در ارمنستان، اما چنین پویایی‌هایی در مورد آسیای میانه وجود ندارد. تلاش اسرائیل برای نزدیکی به آسیای میانه، پژواک «راهبرد پیرامونی» در دوران جنگ سرد است که اسرائیل برای اجتناب از انزوا تلاش می‌کرد با کشورهای مسلمان غیرعرب مانند ترکیه کمالیست و ایران پهلوی رابطه برقرار کند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ و یک دهه بعد از آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، محیط راهبردی اسرائیل را به شکل اساسی تغییر داد. بعد از اینکه نظام ضداسرائیلی انقلابی در تهران قدرت را در اختیار گرفت، فروپاشی شوروی هم ۵ کشور جدید سکولار با اکثریت مسلمان ایجاد کرد: قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان. امروزه آسیای میانه ۳ مزیت برای آسیای میانه دارد: نخست اینکه این منطقه تنوع دیپلماتیک و منابع انرژی ایجاد می‌کند. اضافه کردن کشورهای با اکثریت مسلمان عضو سازمان ملل و سازمان همکاری اسلامی به پیمان‌های ابراهیم، می‌تواند مشروعیت اسرائیل را در جهان اسلام تقویت کند. علاوه بر این قزاقستان با تأمین ۲۲ درصد از نفت خام اسرائیل، اصلی‌ترین تأمین‌کننده نفت اسرائیل است. دوم اینکه هرچند آسیای میانه سعی می‌کند باعث خشم تهران نشود، اما کشورهای آسیای میانه نسبت به الگوی اسلامی ایران بدبین هستند و این موضوع به اسرائیل کمک می‌کند تا نفوذ خود را در منطقه افزایش دهد. سوم اینکه توفیق در این مسیر یک نفوذ راهبردی بالقوه است. تأسیس سفارت اسرائیل در ترکمنستان در سال ۲۰۲۳ در نزدیکی منطقه ترکمن‌نشین ایران، نشان‌دهنده جاه‌طلبی اسرائیل برای ایجاد جای پای اطلاعاتی و همچنین استفاده از تنوع قومی در ایران است. برای کشورهای آسیای میانه، تعامل با اسرائیل ناشی از محاسبه‌های عملگراییانه است. این روابط می‌تواند به مدرن‌سازی اقتصاد منطقه کمک کند. تخصص‌های اسرائیل در حوزه کشاورزی، مدیریت آب و امنیت سایبری با نیازهای منطقه به‌ویژه در کشورهای کم‌آبی مانند ازبکستان و ترکمنستان، سازگار است. علاوه بر این رابطه با اسرائیل تحت حمایت آمریکا می‌تواند به توازن دیپلماتیک در منطقه هم کمک کند و از وابستگی بیش از اندازه این کشورها به چین و روسیه بکاهد. اما به‌رغم این مسائل چهار عامل باعث می‌شود که پیوستن کشورهای آسیای میانه به توافقی‌های ابراهیم غیرمحتمل شود. نخستین مانع افکار عمومی است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثریت مسلمان این کشورها به دلیل اقدامات اسرائیل در غزه به اسرائیل بدبین شده‌اند. اکثر کشورهای آسیای میانه به قطعنامه‌های محکومیت اسرائیل در مورد غزه رأی مثبت داده‌اند. دوم اینکه حمله اسرائیل به ایران باعث آسیب دیدن مسیرهای تجارت و لجستیک شد که کشورهای آسیای میانه به آن وابسته هستند. تحریم‌های آمریکا علیه ایران همین حالا هم به زنجیره تأمین کشورهای آسیای میانه آسیب زده‌است و آنها را وادار کرده‌است به مسیرهای طولانی‌تر روسیه و چین وابسته شوند. این مسئله نشان می‌دهد که منطقه تا چه اندازه به خصومت ایران و غرب حساس است. سوم اینکه برخی به ارتباطات ترکی اشاره می‌کنند و معتقدند که مسئله نژادی می‌تواند به پیوند قزاقستان و آذربایجان در این مسیر کمک کند. اما واقعیت این است که ترکیه رهبر سازمان کشورهای ترکی است و رویکرد ضداسرائیلی آنکارا باعث می‌شود که احتمال تغییر رویکرد کشورهای ترکی آسیای میانه ضعیف‌تر شود. چهارم نقش روسیه و چین است. هرچند این دو قدرت هر دو با اسرائیل رابطه نزدیک دارند، اما از اقدامی تحت نفوذ و رهبری آمریکا خشمگین خواهند شد و در نتیجه بر آسیای میانه فشار وارد خواهند کرد که کمتر همکاری کند. گسترش توافقی‌های ابراهیم به آسیای میانه بیشتر رویاننده‌ی آمریکایی-اسرائیلی است تا یک راهکار عملی. سیاست‌توازن منطقه بین غرب، روسیه، چین، ترکیه، ایران و اخیراً کشورهای جنوب خلیج فارس، باعث شده‌است تا این کشورها از ائتلاف‌های بزرگ پرهیز کنند.

عکس: Getty Images

دیپلماسی
DIPLOMACY



تنش بر سر سلاح مقاومت

آیا حمایت ایران از «تصمیم دولت لبنان با مشورت حزب الله» دخالت در امور داخلی لبنان است؟



عکس: Getty Images

مسعود ادریسی سفیر پیشین ایران در لبنان، در گفت‌وگو با «هم‌میهن»:

دخالت ایران به نفع حزب الله نیست

مصوبه چهار مرحله‌ای کابینه لبنان برای خلع سلاح حزب الله تا پایان سال جاری میلادی که با عنوان «طرح انحصار سلاح در دولت» مطرح شده‌است، باعث افزایش تنش در روابط ایران و لبنان شده‌است. مسعود ادریسی، سفیر پیشین ایران در لبنان، تصمیم دولت لبنان را یک تصمیم عجولانه می‌داند که تحت فشار خارجی اتخاذ شده‌است. با این حال این دیپلمات پیشین ایرانی معتقد است که حمایت‌های لفظی مقام‌های ایرانی از سلاح حزب الله، نه تنها کمکی به این گروه نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود بیش از پیش تحت فشار قرار گیرد. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با مسعود ادریسی، سفیر پیشین ایران در لبنان مطالعه می‌کنید.

«انگیزه‌های دولت لبنان از تصویب طرح انحصار سلاح در دست دولت که با هدف خلع سلاح حزب الله تصویب شده، چیست؟
دولت فعلی لبنان از روزی که روی کار آمده، با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌است. نخستین مشکل این دولت تجاوزهای مستمر و مکرر اسرائیل به لبنان است. به‌رغم آتش‌بسی که از نوامبر سال گذشته بین اسرائیل و لبنان برقرار شده‌است، اما همچنان تجاوزهای نظامی روزمره از سوی اسرائیل به لبنان انجام می‌شود. علاوه بر این اسرائیلی‌ها ۵ نقطه مهم سوق الجیشی را در لبنان اشغال کرده‌اند و بیرون نمی‌روند. علاوه بر اینها در طول جنگ اسرائیلی‌ها لبنانی‌هایی را اسیر گرفته‌اند و حاضر به آزاد کردن آنها نیستند. موضوع دوم که بسیار هم مهم‌تر است، وضعیت وخیم اقتصادی و ازهم‌پاشیدگی اقتصادی لبنان است. وضعیت اقتصادی لبنان اصلاً خوب نیست. لبنان به یک کشور ورشکسته تبدیل شده‌است و آمریکایی‌ها و کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان، کمک‌های اقتصادی خود را منوط به خلع سلاح حزب الله کرده‌اند. مسئله سومی هم وجود دارد که فشار سیاسی دولت آمریکا بر دولت لبنان است که در طول ماه‌های گذشته به صورت مستمر این فشار ادامه داشته‌است. تام باراک، فرستاده آمریکا در امور لبنان، ظرف یکی دو ماه گذشته سه چهار بار به لبنان سفر کرد و فشار زیادی به دولت لبنان وارد کرد. پیام آمریکایی‌ها به دولت لبنان این بود که اگر می‌خواهید اسرائیلی‌ها به لبنان تجاوز نکنند و از خاک شما خارج شوند، باید حزب الله را خلع سلاح کنید. به اعتقاد من سه عاملی که ذکر شد، یعنی فشار نظامی از سوی اسرائیل، فشار اقتصادی به دلیل مشکلات جاری و فشار سیاسی از سوی آمریکا باعث شد که دولت لبنان این تصمیم را بگیرد که تا پایان سال ۲۰۲۵ سلاح را در لبنان در انحصار دولت در بیاورد. البته به نظر من تصمیم دولت لبنان عجولانه بود.

«چرا حزب الله با این تصمیم مخالفت کرد؟

حزب الله تأکید کرده‌بود که آمادگی دارد گفت‌وگوهای لبنانی-لبنانی برای حل و فصل این مشکل انجام دهد. به هر حال حزب الله معتقد است که برای حفظ تمامیت ارضی لبنان باید مثلث طلایی ملت-مقاومت-ارتش همیشه پابرجا بماند و معتقد است که اگر مقاومت وجود نداشته‌باشد و سلاح مقاومت گرفته‌شود، اسرائیلی‌ها بدون احساس هیچ مانعی تجاوزهای خود را گسترش خواهند داد. شواهد هم نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها به‌هیچ‌وجه دنبال این نیستند که در صورت خلع سلاح حزب الله از خاک لبنان بیرون بیایند و اقدام‌های نظامی خود را متوقف کنند.

همین هفته پیش بود که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل علناً از رویای اسرائیل بزرگ سخن گفت و اعتراف کرد که به دنبال تحقق این رویا است. در چارچوب طرح اسرائیل بزرگ، نه‌تنها اسرائیل به دنبال اشغال کل سرزمین فلسطین است، بلکه بخش‌هایی از خاک مصر، سوریه، اردن و البته لبنان تحت اشغال اسرائیل باشد. نتانیاهو علناً اعتراف کرد که به دنبال عملی کردن این طرح است و به همین دلیل نمی‌توان تصور کرد که خلع سلاح حزب الله باعث شود اسرائیل دست از توسعه‌طلبی‌های خود در لبنان بکشد.

«مقام‌های دولت لبنان در واکنش به برخی از اظهارنظرهای مقام‌های ایرانی، از جمله اظهارنظر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، تهران را به دخالت در امور داخلی لبنان متهم کردند. ارزیابی شما از واکنش ایران چیست؟ آیا واکنش ایران به مصوبه دولت لبنان منطقی بود؟ و آیا اظهارات مقام‌های ایرانی دخالت در امور داخلی لبنان است؟

تصور من این است که ایران باید بحث خلع سلاح حزب الله را به عهده خود لبنانی‌ها بگذارد. اینکه در تهران اظهاراتی مطرح شود که دستاویزی برای مقام‌های دولت لبنان شود که ادعا کنند ایران در امور لبنان دخالت می‌کند، نه به نفع مقاومت است، نه به نفع حزب الله و نه به نفع شیعیان لبنان و باعث می‌شود که آنها تحت فشار بیشتری قرار بگیرند. در نتیجه موضع منطقی و اصولی ایران باید این باشد که موضوع سلاح مقاومت یک مسئله داخلی لبنان است و باید خود لبنانی‌ها با گفت‌وگو این مسئله را حل کنند. باید این مسئله را در اختیار خود



شهاب شهسورای
خبرنگار گروه دیپلماسی

روز پنج‌شنبه ۱۶ مرداد کابینه لبنان طرحی را تصویب کرد که بر اساس آن تا پایان سال جاری میلادی کلیه گروه‌های نظامی در لبنان خلع سلاح شوند و انحصار سلاح در اختیار ارتش و دولت لبنان قرار بگیرد. تصویب این طرح با واکنش‌های متعددی مواجه شد. این مسئله تنش تازه‌ای را در روابط تهران و بیروت ایجاد کرده‌است. دولت لبنان، تهران را به دلیل حمایت از حزب الله لبنان و مخالفت با تسلیم سلاح مقاومت، به دخالت در امور داخلی لبنان متهم می‌کند، اما تهران تأکید می‌کند که هیچ دخالتی در امور داخلی لبنان ندارد و از هر تصمیمی از سوی دولت که «با مشورت حزب الله» گرفته‌شود، حمایت می‌کند. علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سفر هفته گذشته خود به بیروت گفت: «کشورهای بیرون از لبنان نباید به این کشور دستور دهند. ملت لبنان ملتی رشید است و خودش می‌تواند تصمیم بگیرد و هر تصمیمی که با هم‌فکری حزب الله بگیرد، مورد قبول ماست. بحث زمانبندی مربوط به برگه‌ای بود که آمریکایی‌ها گفتند. دولت لبنان با مشورت با مقاومت تصمیمات خودش را می‌تواند بگیرد.»

تصویب طرح انحصار سلاح توسط دولت نواف سلام با واکنش‌های مختلفی مواجه شد. از یک سو ایالات متحده آمریکا از تصویب این طرح توسط دولت لبنان استقبال کرد و آن را تبریک گفت و از سوی دیگر حزب الله لبنان به شدت از این تصمیم انتقاد کرده‌است و آن را «دیکنه آمریکایی» توصیف کرده‌است. تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور سوریه و لبنان با انتشار پیامی در شبکه‌های اجتماعی در واکنش به این تصمیم نوشت: «تصمیم این هفته کابینه لبنان سرانجام راه حل یک ملت، یک ارتش را برای این کشور اجرا کرد. ما از مردم لبنان حمایت می‌کنیم.» حزب الله در واکنش به تصمیم دولت لبنان در بیانیه‌ای تصریح کرد: «این تصمیم نتیجه دیکنه‌های تام باراک، فرستاده آمریکاست. این تصمیم کاملاً

مقاومت قرار داد. اینکه ما اظهارنظرهایی کنیم که باعث عکس العمل دولت لبنان شود، این اظهارنظرها برای مقاومت مفید نیست.

«ارزیابی شما از سفر علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به لبنان چیست و فکر می‌کنید این سفر در بهبود روابط دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت لبنان موثر بود یا نه؟

این سفر را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد. از یک طرف از این لحاظ که این سفر روحیه مقاومت را تقویت کند، می‌توان گفت که این سفر مثبت بود. اما عکس العمل‌هایی که بعد از سفر آقای لاریجانی به لبنان از سوی مقام‌های این کشور شاهد بودیم، به‌ویژه واکنش نخست‌وزیر لبنان، نشان می‌دهد که سفر آقای لاریجانی نتوانسته اهداف ما را تأمین کند و تنش‌زدایی که انتظار می‌رفت، اتفاق نیفتاد. از این منظر این سفر، سفری موفقیت‌آمیز نبود.

«جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان در مصاحبه‌ای که با پایگاه خبری العربی‌الجدیدمدتی پیش داشت، گفته‌بود که راهکارهایی مانند پذیرش اعضای حزب الله به عنوان یگانی در ارتش یا ایجاد سازوکاری مانند حشد الشعبی که نیروی مسلح رسمی در لبنان تلقی شود، از نظر دولت او پذیرفتنی نیست. فکر می‌کنید راهکار میانه‌ای وجود داشته‌باشد که بتواند به اختلاف میان حزب الله و دولت لبنان در مورد سلاح مقاومت با رضایت هر دو طرف حل و فصل شود؟

زمانی که جوزف عون مقام ریاست‌جمهوری را پذیرفت، گفتار و موضع‌گیری‌های متفاوتی داشت. در یکی دو ماه اخیر رویکرد رئیس‌جمهور لبنان تغییر اساسی کرده‌است. وقتی او قدرت را در اختیار گرفت می‌گفت که تصمیم در مورد سلاح مقاومت باید در چارچوب گفت‌وگوهای لبنانی-لبنانی و از طریق تعامل حل و فصل شود. ولی در هفته‌های اخیر رویکرد دولت لبنان تغییر پیدا کرده‌است. این تغییر رویکرد نتیجه فشارهایی است که آمریکایی‌ها و کشورهای دیگر به بیروت وارد می‌کنند. البته نباید فراموش کرد که این نخستین بار نیست که بحث خلع سلاح حزب الله لبنان در صحنه داخلی لبنان مطرح می‌شود. این مسئله در گذشته هم مطرح شده‌است و با گفت‌وگو حل و فصل شده‌است. گروه‌های لبنانی همگی اهل گفت‌وگو و تعامل هستند. به‌رغم اینکه اختلاف‌نظرهای جدی و عمیق و یادگارهای دردناکی از دوران جنگ داخلی وجود دارد، گروه‌های لبنانی در دهه‌های اخیر آمادگی خود را برای گفت‌وگو و تعامل نشان داده‌اند و همواره مشکلات خود را از طریق گفت‌وگو و اجماع حل و فصل می‌کنند. با استفاده از زور در جامعه لبنان نمی‌توان کاری را پیش برد. اگر دولت لبنان بخواهد برای خلع سلاح به زور متوسل شود، قطعاً از پس چنین کاری برنخواهد آمد و احتمالاً چیزی شبیه به یک جنگ داخلی در لبنان شکل می‌گیرد که به نفع هیچ کس نیست.

